

Analysis and Criticism of Quranic Teachings in Contemporary Poetry (Mousavi Garmarodi, Qaisraminpour, Tahereh Safarzadeh, Ahmadazizi, Ali Moallem)

Abstract

In the present era and the contemporary poetry of Iran, both before and after the Islamic revolution, the use and influence of poets from the Qur'an is obvious. The pre-revolutionary poetry is full of Quranic themes, despite the anti-Quran and religious evasion common in that era. After the Islamic revolution, Persian poetry turned to Quranic concepts and themes with great thirst. In fact, contemporary poets are heirs of fourteen centuries of Islamic rule in Iran and Iranian Muslims who are accustomed to reading their divine book and have adapted from this holy book in their works and writings, and many words, interpretations, proverbs and wisdom It has found its way into the language of the people. In this article, evidence of the influence of the Qur'an in terms of themes and stories, style and structure, words and compositions in contemporary Persian poetry and its two different and separate branches has been presented. The results indicate that poets such as: Parveen Etisami, Mohammad Hossein Shahryar, Amiri Firouzkohi, Sohrab Sepehri, Mehdi Akhwan Tahalit, Forough Farrokhzad, Mohammad Reza Shafiei Kodkani, Hoshang Ebtahaj, Ali Mousavi Garmarodi, Simin Behbahani, Sepideh Kashani, Alam Moallem, Nasrallah Mardani, Mahmoud Shahrokhi, Qaiser Aminpour, Salman Herati, Hassan Hosseini and Ahmed Azizi have accepted the greatest influence from the Quran and its artistic style. The influence of contemporary poetry from Quranic teachings is considered from two perspectives; One in terms of formal and outward impressionability and the other inward and content.

Keywords: intertextuality of the Holy Quran, Qaiser Aminpour, Iham, hint, lexical effectiveness, propositional effectiveness.

تحلیل و نقد آموزه های قرآنی در شعر معاصر

(موسوی گرمارودی، قیصر امین پور، طاهره صفارزاده، احمد عزیزی، علی معلم)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

محمد رحیمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

چکیده

در عصر حاضر و شعر معاصر ایران اعم از قبل و بعد از انقلاب اسلامی، بهره گیری و تأثیرپذیری شاعران از قرآن آشکار است. شعر پیش از انقلاب علی رغم قرآن ستیزی و دین گریزی رایج در آن عصر، سرشار از مضامین قرآنی است. بعد از انقلاب اسلامی نیز شعر پارسی با عطش فراوان به مفاهیم و مضامین قرآنی روی آورد. در واقع، شاعران معاصر وارث چهارده قرن حکومت اسلامی در ایران و مسلمانان ایرانی نژاد هستند که به خواندن کتاب الهی خود خو گرفته اند و در آثار و نوشته های خود از این کتاب مقدس اقتباسها کرده و بسیاری از کلمات و تعبیر و امثال و حکمت های آن به زبان مردم راه پیدا کرده است. در این مقاله به ارائه شواهدی از چگونگی تأثیر قرآن از حیث مضامین و قصص، اسلوب و ساختار و لغات و ترکیبات در شعر معاصر فارسی و دو شاخه متفاوت و مجزای آن پرداخته شده است. نتایج حاکی است شاعرانی چون: پروین اعتصامی، محمد حسین شهریار، امیری فیروزکوهی، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، محمد رضا شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج، علی موسوی گرمارودی، سیمین بهبهانی، سپیده کاشانی، علم معلم، نصرالله مردانی، محمود شاهرخی، قیصر امین پور، سلمان هراتی، حسن حسینی و احمد عزیزی بیشترین تأثیر را از قرآن و اسلوب هنری آن پذیرفته اند. تأثیرپذیری شعر معاصر از آموزه های قرآنی از دو منظر مورد توجه قرار می گیرد؛ یکی از جهت تأثیرپذیری صوری و ظاهری و دیگری باطنی و محتوایی.

کلید واژه ها: بینامتنی قرآن کریم، قیصر امین پور، ایهام، تلمیح، اثر پذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره ای.

^۱مربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

چگونگی تأثیر قرآن از حیث مضامین و قصص، اسلوب و ساختار و لغات و ترکیبات در شعر معاصر فارسی و دو شاخه متفاوت و مجزای آن می پردازیم تأثیر پذیری شعر معاصر پارسی در قرآن، این دو شاخه شعر معاصر عبارتند از:

الف: شاخه ای که قبل از انقلاب اسلامی جریان داشته و در آستانه انقلاب یا پس از آن با ارزشها و مفاهیم تازه ای که از رهگذر انقلاب در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی پیدا شده یا هماهنگ شده و با استفاده از مایه های هنری گذشته، شاخه نیرومندی از ادب معاصر را ایجاد کرده است. و یا هماهنگ نشده و به همان روال سابق با رشد و کمال خاص خود- که می تواند متأثر از ادبیات جهان در بیرون از مرزهای ایران باشد- به حیات خویش ادامه داده است.

ب: شاخه جوان ادبیات انقلاب اسلامی، که سن کم پدید آورندگان آن اقتضا نمی کرد که پیش از انقلاب آثاری پدید آورند و اینان کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کردند و داوری کلی در باب شعر ایشان کار ساده ای نیست زیرا که هنوز همه امکانات قریحه و نبوغ هنری خود را ظاهر نساخته اند. از میان شاعران دسته اول اشعار احمد شاملو، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج، علی موسوی گرمارودی، محمد رضا شفیعی کدکنی، و... و از شاعران گروه دوم یعنی شاعران ادیبان انقلاب قیصر امین پور، علی معلم، حسن حسینی، احمد عزیزی مورد استشهاد واقع شده اند و شدت تأثیر پذیری اشعار هر یک از ایشان از قرآن از چند حیث مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- بررسی شدت بهره وری ادب معاصر پارسی از وجوه مختلف قرآن

الف. تأثیر پذیری از قرآن از حیث ساختار ظاهری و سبک بیان

شعر شفیعی کدکنی (م. سرشک) «بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب/ که باغها همه بیدار و بارور گردند/ بخوان دوباره بخوان. تا کبوتران سپید/ به آشیانه خونین دوباره برگردند/ بخوان به نام گل سرخ در رواق سکوت/ ... / بخوان به نام گل سرخ و عاشقان بخوان» که سبک این شعر یادآور سوره علق است (اقرأ باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ و ربك الأکرم و...)

در کوچه باغهای نیشابور (ص ۹-۱۲)

سهراب سپهری: در شعر سوره تماشا که حتی نام آن نیمه قرآنی است با بیان سوگندهایی در ابتدای کلام به لحن کتاب مقدس نزدیک می شود. « به تماشا سوگند/ و به آغاز کلام/ و به پرواز کبوتر از ذهن/ واژه ای در قفس است.»

هشت کتاب (سوره تماشا)

سیمین بهبهانی: «قسم به انجیر و زیتون، کنایتی آسمانی/ که باغ می سوزد از یت فغان از این باغبانی/ قسم به انجیر و زیتون، دو میوه اما نمادین/ یکی همه نوشکامی، یکی همه مهربانی»
از شعر (قسم به انجیر و زیتون)

موسوی گرمارودی: «قسم به ستاره، راست می گویم/ هیچ نوری نیست/ که از بینش تو نصیبی ندارد/ ... / به گلبرگ سوگند/ که در یگانگی مان/ هیچ چیز جز خدا ره ندارد.» گزینه اشعار گرمارودی

علی معلم: «قسم به عصر که پیوسته پوی آواره است/ که بر بساط زمین آدمی زیانکاره است: که یادآور « والعصر ان الانسان لفی خسر» است.

ب. استفاده از الفاظ قرآنی در نام های شعری

فروغ فرخزاد: آیه های زمینی/ کسی که مثل کسی نیست/ احمد شاملو (الف: بامداد)
ابراهیم در آتش/ سهراب سپهری: سوره تماشای سیمین بهبهانی: قسم به انجیر و زیتون/ علی موسوی گرمارودی: سوگند به انجیر/ قیصر امین پور: تنفس صبح/ احمد عزیزی: نردبان ربنا + دو رکعت شعر.

ج. استفاده وسیع از تلمیح یا اشاره به قصص قرآن

استفاده وسیع از تلمیح از ویژگیهای شعر معاصر است. تلمیح در شعر شاعران نوپرداز کاربردهای مختلف دارد از آن جمله اند: ایجاد زبان، بیان شعری، معنی آفرینی، رمز پردازی، اغراق، ایجاز در گفتار و گاه نیز فخر فروشی.

۱- فروغ فرخزاد

«آفریدی خود تو این شیطان ملعون را/ عاصیش کردی و او را سوی ما راندی/ این تو بودی، این تو بودی کز یکی شعله/ دیوی اینسان ساختی، در راه بنشاندی/ مهلتش دادی که تا دنیا بجا باشد/ با سر انگشتان شومش آتش افروز» که یادآور آیات «خاق الجان من مارج من نار» و «خلقتنی من نار و خلقته من طین» (و) : قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ قَالَ فَبِمَا أُغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (اعراف/ ۱۴، ۱۵، ۱۶) است. و «در پس دیوارهایی سخت پابرجا/ هاویه آن آخرین گودال آتش ها/ خویش را گسترده تا ناگه فرا گیرد/ جسمهای خاکی و بی حاصل ما را»: (فَأَمَّهُ هَآوِيَةً وَمَا أُدْرَاكَ مَا هِيَ نَارٌ حَامِيَةٌ) (قارع/ ۹، ۱۰، ۱۱) و «از چی می گویی حرامست این می گلگون/ در بهشت جویها از می روان باشد/ هدیه پرهیزکاران عاقبت آنجا/ حوری ای از حوریان آسمان باشد»، که یادآور (كذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ) (دخان/ ۵۴) ... و (سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا) (انسان/ ۲۱) و سبز خطانی سراپا لطف و زیبایی/ ساقیان بزم و رهن های گنج دل/ حسنشان جاوید و چشمان بهشتیها/ گاه بر آنان گهی بر جریان مایل (يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ... وَحُورٌ

عین) (واقعه/ ۱۷-۲۲) و: «هر چه داریم از تو داریم ای که خود کفتی/ مهر من دریا و خشمم همچو طوفان است/ هر که را من خواهم او را تیره دل سازم/ هر که را من برگزینم پاکدامن است: «یادآور کریمه: (مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (اعراف/ ۱۷۸) و «ما پا به افتاده در راه سجود تو / رنگ خون گیرد دمام در نظر ماهان/ سرگذشت تیره قوم ثمود تو»، یادآور (كَأَنَّ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لَثَمُودَ) (هود/ ۶۸) است.

۲- سهراب سپهری: از شعر «سوره تماشا»

«در کف دست زمین گوهر ناپیدایی است/ که رسولان همه از تابش آن خیره شدند/ پی گوهر باشید/ لحظه ها را به چراگاه رسالت ببرید/ و من آنان را به صدای قدم پسرک بشارت دادم..».

«زیر بیدی بودیم/ برگی از شاخه بالای سرم چید و گفتم/ چشم را باز کنید آیتی بهتر از این می خواهید؟/ می شنیدم که به هم می گفتند: / سحر می داند سحر». که تلمیح دارد به: (كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ) (الذاریات/ ۵۲) و: «سر هر کوه رسولی دیدند/ ابر انکار به دوش آوردند/ باد را نازل کردیم/ تا کلاه از سرشان بردارد» یادآور آیه (فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا) (فصلت/ ۱۶) است. و: «خانه هاشان پر داوودی بود/ چشمشان را بستیم/ دستشان را نرساندیم به سر شاخه هوش/ جیبشان را پر عادت کردیم/ خوابشان را به صدای سفر آینه ها آشفتم». که یادآور (وَنَقَلَبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ) (انعام/ ۱۱۰) و نیز آیه (تَمَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ) (بقره/ ۷) است و نیز در شعر صدای پای آب «تلمیحات قرآنی بسیاری دارد از آن جمله است: «من مسلمانم /قبله ام یک گل سرخ/ جانماز چشمه، مهرم نور/ دشت سجاده من/ من وضو با تپش پنجره ها می گیرم/ در نماز جریان دارد طیف، جریان دارد ماه، سنگ از پشت نمازم پیداست/ همه ذرات نمازم متبلور شده است/ من نماز را وقتی می خوانم /که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو/ من نماز را پی تکبیر الاحرام علف می خوانم، پی قد قامت موج/ کعبه ام بر لب آب/ کعبه ام زیر اقاقی هاست /کعبه ام مثل نسیم، می رود شهر به شهر/ حجرالاسود من روشنی باغچه است «یادآور (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (اسراء/ ۴۴) و در همین شعر در جای دیگر می گوید: «و خدایی که در این نزدیکی است/ لای این شب بوها، پای آن کاج بلند/ روی آگاهی آب، روی قانون گیاه» یادآور آیه (وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ) (ق/ ۱۶). و: «من نمی خندم اگر فلسفه ای، ماه را نصف کند»، (اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ) (قمر/ ۱). و در شعر مسافر، «و ای تمام درختان زیب خاک فلسطین/ وفور سایه خود را به من خطاب کنید/ به این مسافر تنها که از سیاحت اطراف طور می آید/ و از حرارت تکلیم در تب و تاب است»، (کلم الله موسی تکلیماً).

۳- اخوان ثالث

الف: اشاره به داستان حضرت عیسی(ع) در شعر «زمستان»

«مسیحای جوانمرد من ای ترسای پیر، پیرهن چرکین/ و: این سرگذشت لیلی و مجنون نبود/ ... / حتی نبود قصه یعقوب دیگری/ این صحبت دو روح جوان از دو مرد بود/ بس دور و دور بود و ندانست هیچ کس کز کوهسار جودی یا کوه طور بود. و: «ما فاتحان شهرهای رفته بر بادیم.../ گاهگه بیدار خواهیم شد زین خواب جادویی/ همچو خواب همگنان غار/ چشم می مالیم و می گوئیم: آنک طرفه قصر زرنگار صبح شیرینکار/ لیک بی مرگ استدقیانوس/ وای، وای افسوس» که به داستان اصحاب کهف اشاره دارد.

۴- هوشنگ ابتهاج

«سرگشته در کشاکش طوفان روزگار/ گم کرده همچو آدم و حوا بهشت خویش» که یادآور داستان آدم و راندن ایشان از بهشت است. و: «مگر نوح کشتی به آب افکند/ کمندی به غرقاب خواب افکند» که به داستان نوح اشاره دارد، و: «تن آسایان بلایش برنتابند/ بلی من گفتم آن دام کفر/ ورنه آتش را همان شوق گلستان گشتن است» که یادآور کریمه (یا نور کونی بردا و سلاما) است و نیز «فوتی که فریب دیو/ در رخت سلیمانی، انگشتر را یک جا با انگشتان میبرد/ ما رمز تو را، چون اسم اعظم/ در قول و غزل قافیه می بستیم» که به داستان حضرت سلیمان اشاره دارد و: «بادم عیسی ام گر بنوازی چون نای/ از دل مرده برآورم و دم و اعجاز کنم.» و: «ز چاه قصد رهایی نباشدت، هر چند/ به حسن یوسف و تدبیر تهمتن باشی» که به داستان حضرت یوسف تلمیح دارد.

۵- محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

«از مزرع کرامت عیسی صلیب ندیده/ با داس هر هلال درودیم.» که به: (وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ) (نساء/ ۱۵۷) اشاره دارد.

۶- سیمین بهبهانی

«و نگاه کن به شتر آری/ که چگونه ساخته شد، باری/ نز آب و گل که سرشتندش /ز سیراب و حوصله پنداری» یادآور آیه: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ) (غاشیه/ ۱۷). و در شعر «گفت پروردگار است این» به سلوک حضرت ابراهیم اشاره دارد. «گفت پروردگار است این، مهر از افق سر زد/ چون فروشد به تاریکی حکمتش رای دیگر زد/ گفت پروردگار است این، ماه تا نقره افشان شد /چون به سامان نشد کاوش، رای دیگر مکرر زد» (فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفَلِينَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا) (انعام/ ۷۶، ۷۷)

۷- احمد شاملو (ا. بامداد): در کتاب «ابراهیم در آتش»

«عفونت از صبری است که پیشه کرده ای/ به هاویه وهن/ تو ایوبی/ که از این پیش اگر/ به پای برخاسته بودی/ خضر وارت/ به هر قدم/ سبزینه چمنی/ به خاک/ همی گسترده» که یادآور آیه: (فامه هاویه نار حامیه) است و نیز به دو داستان ایوب و خضر در قرآن اشاره دارد.

و: عیسی صلیبی بیهوده مرده است/ و کاج سرافراز صلیب چنان پر بار است/ که مریم سوگوار/ عیسی مصلوبش را باز نمی شناسد» که به داستان حضرت عیسی اشاره دارد.

۸- قیصر امین پور: در شعر «تنفس صبح»

«پیشانی ات تنفس یک صبح است/ صبحی که انتهای شب یلداست/ ... / تو امتداد کوثر جوشانی/ سرچشمه تو سوره اعطیناست» که یادآور آیه (وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسْتَ) (تکویر/ ۱۸) و (إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوْثِرَ) (کوثر/ ۱) است و: «تو شعر نگفته مرا می دانی/ و ز برگ سفید دفترم می خوانی/ آخر به چه مانی که بگویم آنی؟/ تو همچو خودی تو خویش را می مانی» که یادآور (يَسَّ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) (شوری/ ۱۱) است. و نیز «ما خویش فرامشان لرزان قدمیم/ اندیشه کنان وادی بیش و کمیم/ خود را و ترا اگر بردیم از یاد/ ما را تو اگر زیاد بردی عدمیم» که به آیه (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ) (حشر/ ۱۹) اشاره دارد. و نیز «ای عشق زمین و آسمان آیه توست/ بنیاد و ستون و بی ستون پایه توست/ چون رهگذر خسته که می آساید/ آسایش آفتاب در سایه توست» که یادآور آیات: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) (آل عمران/ ۱۹۰) و (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...) (لقمان/ ۱۰) است.

۹- طاهره صفارزاده

«این هرزگان هنر سوز/ که در پناه دولت فرعون/ با فخر و کبکبه/ در خوابهای حشیشی خزیده اند/ یک روز ناگهان/ باران سنگ بر سرشان خواهد بارید» که به آیه (تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ) (فیل/ ۴) اشاره دارد. و نیز «ای قوم سرافکنده/ ای سخرگان/ که قدرتان شیر بیرق است/ از لا اله تا الا الله/ فاصله مرگ و زندگی است / ... / خلیل حامی کرامت انسان بود/ خلیل می دانست / آتش هم از اراده حق بیرون نیست» که به داستان حضرت ابراهیم اشاره دارد. و نیز «من از گل آمده ام/ و دشمن از آتش/ در خاک/ نور هدایت نیست... /» (خلقتنی من نار و خلقتنی من طین)

۱۰- علی معلم

«قسم به عصر که پیوسته پوی آواره است/ که بر بساط زمین آدمی زیانکاره است» به آیه (وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (عصر/ ۱ و ۲). و نیز «شب از حضيض نهران سوی اوج می آیند/ چو وقت فتح رسد فوج فوج می آیند» (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا) (نصر/ ۱ و ۲) و: «شب فردای قیامت شب آکنده/ شب دهگانه، شب صبح شکافنده» که تلمیحی است به آیات ۲ و ۲ سوره فجر (وَالْفَجْرِ)

وَكَيْلًا عَشْرًا) و: (هیئات زمانه انسان که جهول مانند) اشاره دارد به آیه (انا عرضنا الامانه... فحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا) و نیز: «قال الست ربكمى رابلى زندا/ فالى زندا و قرعه تكوين مازدند» که به آیه (الست بریکم قالوا بلى) (، ۱۷۲) اشاره دارد. و نیز این ابیات که همگی به داستان پیامبران در قرآن اشاره دارد: «گردید چرخ و فلک کو به کو نشست/ آدم ... و نوح به جودی فرونشست/ ایوبها به سفره کرمان کرم شدند/ یعقوب ها به حوصله پامال غم شدند/ موسی بسی ز نیل حوادث امام گرفت/ تا همچو نیل دامن فرعونیان گرفت/ بسیار بت شکست که از سیم کرده بود/ تهمت به بت زدند، براهیم کرده بود/ از رشک لطف جان ملائک ملول ماند/ هیئات بر زمانه که انسان جهول ماند»

۱۱- علی موسوی گرمارودی

«و فرشتگان/ در چنبر درخت نهاده اند/ و در دستهای برگ/ فاین تذهبون / ... /آه ای غریب ترین ماهی/ وقت آن است که در دامن یونس بگذرانی/ درنگ جایز نیست». (تکویر، ۲۶) و: «ای روشن خدا/ در شبهای پیوسته تاریخ/ ای روح لیله القدر حتی اذا مطلع الفجر/ ... / تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟/ تو را که چون معنی نقطه مطلق / الله اکبر/ آیا خدا در تو، به شگفتی نمی نگرند؟/ فتبارک الله احسن الخالقین» و نیز: «یا ذبیح الله/ تو اسماعیل گزیده خدایی/ و رویای به حقیقت پیوسته ابراهیم/ ... / که ایام حج را به چهل روز کشاندی» نیز: «در راستای ظلمت این شام دیر پای/ ای طور می زخم ارنی در بقای تو»، (رَبُّ أَرْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ) (اعراف/ ۱۴۳) و نیز: «ما را تلاوت کنید/ که پاره های آیه خداوندیم/ چون دست به دست هم دهیم/ در شکستن دیوارهای شب /برخیز! / تا به نمازی دیگر بایستیم/ ... / و تا این سوی خدا/ تنوره کشان اوج بگیریم/ قاب قوسین، او ادنی/ و آنک سدره المنتهی» و نیز: «کاش فرزند نوح /در کشتی جان می داشت/ تا من امروز/ اینقدر، با بدان نمی نشستم» که به داستان حضرت نوح اشاره دارد، و نیز «از هیچ سوی/ نه چراغی/ نه قبسی/ موسی واره می سپرم/ با ایمان به رسالتی که دارم/ و کتاب عشقی که در کف/ آه ای جاودان شب/ کوه طور، در همسایگی نیست؟/ همراهم را می گویم: برخیز/ و پای افزاری بدوز از شکیب/ فرعون مردنی است» (کَیْسَ الصُّبْحِ بِقَرِيبٍ) (هود/ ۸۱)

۱۲- حسن حسینی

«دلت پهنه آزمون خدا بود/ ...» یاد آور (اولئک الذین امتحن الله قلوبهم...) است.

۱۳- احمد عزیزی

در شعر «عرشه مینا»: «نیست کس در باغ، تنهائیم ما/ آدم و شیطان و حوائیم ما/ ما همین خاکیم روح آگین شده/ با رسوب رودها رویین شده/ آه ای دریای سد جوع من/ پاسبان میوه ممنوع من» که به داستان آفرینش اشاره دارد. و نیز به آیه (و نفخت فیه من روحی) و نیز: «ای تکلم کرده با روح الامین/ دختر تجریدی زیتون و

تین/ ای ملائک بر سلامت صف زده/ عرش بر دامان تو رفر ف زده .../ ای زنامت گل چمن آرا شده/ هاجر از اندوه تو سارا شده.../ معجز شق القمر ابروی تو/ ليله الاسرای ما گیسوی تو/ کوشری و ختم قرآن کرده ای/ تو تلاوت را گلستان کرده ای/ کیست کفوت آنکه در صحرای خم/ مست شد از جام اکملت لکم» که اشارات قرآنی بسیاری را در بر دارد. از جمله: (و التین و الزیتون) و): جاء ربک و الملائکه صفاً صفا) و (متکئین علی رفر ف خضر و عبقری حسان). (سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله) و: (انا اعطیناک الکوثر) و نیز: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً) در شعر «نخل و خون» و همچنین در شعر «ای تب ربانی: کهکشانشان را می کشاندم تا رصد/ روی کوه قول هو الله احد» و در شعر شستشو در طین: «خیره شو بر آبی رود رحیم/ بر پلی روی صراط المستقیم» و در شعر رنگهای مرگ: «مرگ ما همواره رنگ آه ماست/ مرگ ما چون سایه ای همراه ماست/ مرگ ما گاهی کرمکی در سیب ماست/ گاه مرگی سالها در جیب ماست» که یادآور آیات (اینما تکنونوا یدرکم الموت) و (کل النفس ذائقه الموت) می باشد. نیز در شعر چشمه دختران: «نیست با کم هیچ از قحط کرم/ می خورم یک لقمه نون و القم» که یادآور (نون و القلم و ما یسطرون) است و در شعر جاهلی: «ای زنان ماد مردان عاد/ می برد آخر شما را گرد باد»

که با داستان قوم عاد و عذابی که برایشان نازل گردیده اشاره می کند. و نیز در شعر زن موعود: «خواب چاه اسفلین در سافلین/ خواب قرص لا احب الا فلین/ و نیز در «شاخه تفسیر پر می شد ز توت/ تار می زد سوره ای در عنکبوت/ نور بود و طور بود و سور بود/ بر لبان هر گلی شیپور بود» و نیز «کشتی تشبیه لنگر می کشید/ لن ترانی بر افق پر می کشید» و نیز در شعر پاییز لاله ها: «یا خمینی منکر تو منکر است/ یا خمینی نفس تو اولی تر است» که به آیه (النبی اولی المومنین من انفسهم) اشاره دارد.

و نیز در شعر زخم پای: «ما همه زخمیم اما زیر پوست/ آیه خونیم با تفسیر پوست/ ... / بت پرستی مال یک اقلیم نیست/ این تبر در دست ابراهیم نیست / ... / ای نگهبان شقایق در زمین/ ای بهار رحمه العالمین» نیز در شعر نردبان ربنا که اسم آن نیز نیمه قرآنی است... «ربنا ما را طنین نوری بخش/ ربنا آباد ما را نور بخش/ می فروشد بار عصیان در ضمیر/ ربنا دست سمعنا را بگیر» که یادآور آیه (ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان...) است. «پس کلید عزت ما را بده/ گنجه انا فتحنا را بده» یادآور (انا فتحنا لک فتحا مبینا) است. «خود ضمیر سوره را تفسیر کن/ ما تلاوت زادگان را سیرکن/ این زمین مهد سلام واژه هاست/ این گذرگاه تمام واژه هاست»: (اللهم نجعل الارض مهاداً) و نیز در شعر پارسی «دیوانه ندبه»: «هست این از اولین تا آخرین/ کل شی را امامانی مبین» که یادآور آیات (ثله من الاولین و ثله من الاخرین) و آیه (کل شی احصیناه فی امام مبین) است. و نیز: «ای نیایش مشعلان تاریک تر/ ای خدا نصف کمان نزدیک تر» به: (دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی) اشاره دارد.

د- بهره گیری فراوان از اصطلاحات و تعابیر قرآن و علوم قرآنی

«خود ضمیر سور را تفسیر کن. ما تلاوت زادگان را سیر کن» و «آن طرفها می توان در آیه زیست/ می توان صد سوره را یک شب گریست» و نیز «شاخه تفسیر پر می شد ز توت/ تار می زد سوره ای عنکبوت» و نیز «تو زکات زخم را دادی به دین/ خمس خونت بر روی زمین» و نیز «زنده تر از سوره سنبل کجاست/ آیه ای گویاتر از این گل کجاست/ روح اینان معبدی دور از تن است/ آب از تفسیر ایشان روشن است» و نیز «نام او را گنجه های گاتهاست/ نام او در توری تورات هاست «و نیز «ای سحر رنگ چه دارد جز نزول/ نیست این باران مگر اشک رسول».

۲- فروغ فرخزاد

«همه هستی من آیه تاریکی است/ که تو را در خود تکرار کنان/ به سحرگاه شکفتن ها و رستن های ابدی خواهد بود».

«رد پای مفاهیم قرآنی در اشعار شاعران کهن پارسی‌زبان را با کمی جست و جو در دیوان‌های ایشان به وضوح می‌بینی.» این را گروهی می‌گویند که معتقدند در سال‌های اخیر تاثیرگذاری آموزه‌های قرآنی در ادبیات‌مان کمرنگ شده است. آنها ارتباط میان شاعران امروزی با مفاهیم کلام الهی را مانند تارهای بسیار نازکی می‌دانند که در حال گسستن است. البته در این میان، گروهی هم زیاد با این نظریه موافق نیستند و اعتقاد دارند که حالا این تاثیرگذاری به شکل غیرمستقیم در آثار شاعران معاصر دیده می‌شود. براساس نظریه گروه دوم، پل میان ادیبان ایرانی و گسترده مفاهیم عظیم قرآنی هنوز تخریب نشده است و فقط باید با دقت نظر بیشتری به اشعار آنها نگاه شود. همراه تعدادی از شاعران امروزی به کاوش تاثیر قرآن در شعر فارسی پرداختیم.

تاثیرپذیری شعر معاصر از آموزه‌های قرآنی از دو منظر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ یکی از جهت تاثیرپذیری صوری و ظاهری و دیگری باطنی و محتوایی. با مطالعه آثار شاعران کهن، با توجه به اینکه بیشتر این شاعران تربیت یافته مکتب اسلامند و با آموزه‌های دینی آشنایی دارند، ردپای آیات و احادیث را در اشعار آنها مشاهده می‌کنیم؛ به این معنا که بسیاری از شاعران به شکل مستقیم از خود آیات قرآن و گاهی ضرب‌المثل‌های قرآنی در اشعارشان استفاده کرده‌اند که این نوع را باید در بخش «تاثیرپذیری صوری» بررسی کرد.

کارشناسان ادبی یکی از علت‌های کمرنگ شدن حضور مفاهیم قرآنی در دنیای شعر و شاعری را تبلیغات گسترده دشمنان دین اسلام می‌دانند که مسلماً تاثیراتش در جامعه ادبی غیرقابل انکار است.

رضا اسماعیلی، شاعری که کتاب‌های شعر «جنجره سرخ عشق»، «آئینه و سنگ»، «بانوی آئینه و آب» و «آسمانی‌ها» از او منتشر شده است در این باره می‌گوید: «با بررسی و بازشکافی اشعار جدید متوجه بعضی اشارات غیرمستقیم در اشعار می‌شویم و روح قرآنی را در آنها نظاره‌گریم. البته این دسته از اشعار که به تامل بیشتری نیاز دارند، غیرمستقیم از آموزه‌های قرآنی بهره می‌گیرند.»

اسماعیلی معتقد است که معمولاً برای این دسته از شاعران، تعالیم قرآنی چنان درونی شده که ناخودآگاه در سرودن تحت تاثیر این تعالیم هستند و البته باید توجه داشت که این نوع بیان، هنرمندانه‌تر، شاعرانه‌تر و تاثیرگذارتر از بیان مستقیم است.

همچنین در دسته‌بندی دیگری، شعر معاصر را می‌توان به دو شاخه آئینی و آزاد تقسیم کرد؛ با این نگاه، شعر آزاد را از دایره توجه و الهام از آموزه‌های قرآنی جدا کرده‌ایم چرا که شاعر در این گونه شعری، به مسائلی عام که شاید هیچ تناسبی با دین نداشته باشد توجه دارد. اما در حوزه شعر آئینی چون شعر توحیدی، نبوی، علوی، فاطمی، انتظار سروده‌ها و ... در این دو دهه اخیر شاعران بسیاری فعالیت داشته‌اند. از آنجایی که ریشه تمام اشعار فوق در مفاهیم اسلامی است، می‌توان آنها را اشعار قرآنی تلقی کرد.

از سویی یک سنت حسنه یعنی سرودن «توحیدیه‌ها» در میان شاعران دهه‌های پیشین رواج داشت که متأسفانه امروزه به دلایل مختلف کمرنگ شده است شاعران بزرگ بسیاری برای متبرک کردن دیوان خود، اشعاری را در وصف حضرت حق می‌سرودند؛ «ای نام تو بهترین سرآغاز/ بی‌نام تو نامه کی کنم باز»..

اسماعیلی در باره علت کم رنگ شدن «توحیدیه‌ها» در شعر معاصر می‌گوید: «یکی از دغدغه‌های شاعرانی آئینی امروز، سرودن در وصف اهل بیت(ع) است و به نظر می‌رسد به همین دلیل توحیدیه‌های کمتری داریم، در حالی که باید توجه داشت برای رسیدن به سرچشمه اصلی در حوزه شعر آئینی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه، سرودن همین توحیدیه‌هاست».

شاعر کتاب شعر حنجره سرخ عشق، جشنواره‌ای شدن شعر آئینی را یکی از آسیب‌های این حوزه ادبی می‌داند: «شاعران پیشکسوت معمولاً درگیر چنین مشکلاتی نمی‌شوند اما شاعران جوان و البته جویای نام، به نیت شرکت در جشنواره‌ها، اشعاری را می‌سرایند که فاقد هم‌گونه جوشش احساسی است در واقع با وجود جشنواره‌ها هر روز شاهد تولید اشعاری کم عمق و البته تاریخ مصرف‌دار هستیم».

با جست‌وجو در اشعار شاعران امروزی به راحتی می‌توان فهمید که برداشت‌های مستقیم از قرآن در ادبیات معاصر بسیار کمتر شده است زیرا شاعران دریافته‌اند ذهن مخاطب امروزی نمی‌پذیرد که شاعر، برداشت‌های مستقیم و شعارگونه از قرآن را در شعرش بیاورد. این‌گونه تأثیرپذیری در شعر معاصر به‌طور کلی کم شده است اما بی‌انصافی است اگر بگوییم تأثیرپذیری هنرمندانه شاعران امروزی از قرآن کمرنگ شده است. بزرگ‌ترین شاعران معاصر ما حتی افرادی چون اخوان ثالث، سهراب سپهری و ... همچنین شاعران انقلاب مثل قیصر امین‌پور، علی معلم، شفیع کدکنی و ... مستقیم و غیرمستقیم از آموزه‌های قرآن تأثیر گرفته‌اند.

محدثی خراسانی به هیچ‌وجه کمرنگ شدن آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی را در آثار ادیبان معاصر نمی‌پذیرد و معتقد است؛ «در گستره ادبیات معاصر با وجود افزایش تبلیغات منفی، شاهد افزایش ارتباط شاعران با آموزه‌های قرآنی هستیم. البته قابل توجه اینجاست که این ارتباط کمی هنری‌تر و غیرمستقیم‌تر شده است».

فهرست منابع

۱- قرآن مجید: ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

راستگو، سید محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی: تهران ۷۸.

- چون سبوی تشنه: محمد جعفر یاحقی، حامی، تهران، چاپ پنجم ۷۷.

-دانشنامه علوم قرآنی و قرآن پژوهی، دو جلد، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، چاپ اول، دوستان- ناهید، تهران ۷۷.

-شعر زمان ما(۱)، احمد شاملو: محمد حقوقی، نگاه، تهران، چاپ چهارم ۷۶.

-شعر زمان ما(۴)، فروغ فرخزاد: محمد حقوقی، چاپ سوم، نگاه، تهران ۷۶.

-در کوچه باغهای نیشابور: محمد رضا شفیعی کدکنی.

-کفشهای مکاشفه: احمد عزیزی، المهدی، دوم، تهران ۶۹.

- هشت کتاب: سهراب سپهری، طهوری، چاپ هشتم، تهران.